

نامه سردبیر

این سرمقاله را به بهانه انتشار دو مقاله اول این شماره (که بنا به سفارش سردبیر تالیف شده‌اند) اختصاص داده‌ایم به بحث ارزیابی این فصلنامه و سایر مقالات حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری علم و فناوری در ایران.

واقعیت این است که با وجود رشد عددی بسیار سریع متخصصان و پژوهشگران این حوزه در سال‌های اخیر، عمق پژوهش‌های مربوطه رشد متناسبی نداشته است. از سال 1383 که برنامه‌ریزی برای انتشار این فصلنامه آغاز شد و حتی در بهار 1387 که نخستین شماره به چاپ رسید، امید هیات تحریریه و موسسان مجله آن بود که به زودی رشته‌های کارشناسی ارشد و دکترای این حوزه به نتیجه می‌رسند و تعداد مقالات مورد نیاز مجله از طریق پژوهش‌های قابل قبول آنان تامین خواهد شد. آن موقع کسی فکر نمی‌کرد که تعداد این رشته‌ها و دانشجویان به این سرعت رشد کند و نیز کسی گمان نمی‌برد که علی‌رغم این رشد، ورودی مقالات قابل داوری فصلنامه، هیچ رشدی را تجربه نکند!

به نظر می‌رسد که کیفیت پژوهش‌های حوزه علمی ما، دچار بحران اساسی است و گرنه امروز سالانه باید شاهد حدود یکصد مقاله مطلوب و مرتبط از دانش‌آموختگان ارشد و دکترا می‌بودیم. عجیب آنکه حتی تعداد مقالات ISI در مجلات قابل قبول هم چندان بیشتر نشده است درحالی که انتظار می‌رفت نسل جوان ما با تسلط بهتر به زبان خارجی، بتواند اعتبار علمی خوبی در این حوزه برای کشور به ارمغان بیاورد.

برای بروز این بحران تلخ، دلایل متعددی را می‌توان مطرح کرد که بعضی از آنها عبارتند از:

- 1- کمبود استادان متخصص و پایین بودن تعداد آنها نسبت به دانشجویان و نیز درگیر بودن اغلب آنها در فعالیت‌های اجرایی و پروژه‌های پژوهشی بعضاً بی‌کیفیتی که نمی‌توانند به مقالات علمی منجر شوند.
- 2- فقدان نظام‌های ارزیابی دقیق پایان‌نامه‌های دانشگاهی که موجب می‌شود اغلب آنها صرفاً یک روند کاملاً تکراری و از پیش مشخص و فاقد نوآوری را طی کنند.
- 3- عدم ایفای نقش مناسب از سوی نهادهای تخصصی نظیر انجمن ملی مدیریت فناوری ایران که بعضاً برای بالابردن تعداد مقالات همایش‌های خود، پایین بودن سطح علمی این مقالات را تحمل و ترویج می‌کرده است.
- 4- ازدیاد تعداد مجلات علمی پژوهشی مربوطه در حالی که هیات تحریریه و داوران و نویسندگان و خوانندگان همه آنها تقریباً مشترک هستند.

در کنار همه مطالب فوق، بالابردن سطح کیفی مقالات فصلنامه با مشکل دیگری هم روبروست: برای ارزیابی همین مقالات موجود هم، داور متخصص و متمرکز روی شاخه‌های خاص در دسترس نیست. اغلب استادان معروف و حتی اعضای هیات تحریریه فصلنامه از همکاری در داوری دقیق و به موقع خودداری می‌کنند و اگر همکاری تعداد معدودی از همکاران نبود، همین سطح کنونی کیفیت مقالات و نظم انتشار مجله هم حفظ نشده بود.

همه دانش‌پژوهان حوزه مدیریت و سیاست علم و فناوری باید بدانند که تدوین و نیز داوری مقالات علمی، وظیفه روزمره آنهاست و اعتبار داخلی و جامعه علمی کوچک ما، به جز از این طریق، مسیر دیگری نخواهد داشت.